



Analysis of Reza Braheni's Fiction Based on Lucien Goldman's Theory of Developmental Sociology

Zahra Iranmanesh ^{1*}

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Language and Literature, Farhangian University, Kerman Province, Kerman, Iran. E-mail: iranmanesh.zahra@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 10/01/2022

Received in revised form:
19/02/2022

Accepted: 21/02/2022

Keywords:

Fiction,

Sociology of Literature,

Reza Braheni,

Lucien Goldman

ABSTRACT

Sociology of literature is the combined subject of social sciences and sociology. Lucien Goldman is one of the theorists of this analytical subject. In Goldman's formative sociology, the relationship between literary works and the social status of the author are taken into consideration, and the literary work is analyzed on the basis of these concepts. The aim of this research, using the descriptive-analytical method with library tools, is to analyze Braheni's fictional works based on Lucien Goldman's theory of developmental sociology. Having established that literature is the language of any society and the most efficient way to get acquainted with the thoughts and beliefs of any society is to meditate on the literature of that society, contemporary fiction should be analyzed from this perspective as well. The results have indicated that various cultural, social and political issues such as injustice, socio-political repression, oppression of rulers, class conflict, cultural and political influence and domination of foreigners, resistance to oppression and other elements have been used as the basis for creating his works, and have found their way into Braheni's logical stories. On the other hand, the social issues in Reza Braheni's works are the concerns of a class of society to which Braheni also belongs, and this class is the intellectual stratum of society. Thus, the most important component of Lucien Goldman's sociological theory, which is the influence of the literary work on the author's social class, is reflected in Braheni's stories, and the themes of his stories are the same as the author's social class concerns.

Cite this article: Iranmanesh, Z. (2024). Analysis of Reza Braheni's fiction based on Lucien Goldman's theory of developmental sociology. *Journal of Research in Narrative Literature*, 12 (4), 23-53.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/RP.2022.5561.1494



Extended Abstract

Introduction:

Throughout history, society and literature have continuously interacted and influenced each other. Art has many sub-branches, and one of these sub-branches is fiction, which includes novels and stories. Novel and story have the ability to keep pace with the two dimensions of literature and society. The authors of fiction literature have also expressed the problems and realities of society in their works, according to their social, geographical, cultural and intellectual structure. Therefore, it can be said that there is a logical link between literature and society.

Methodology:

The method of this research is descriptive-analytical which has used library tools.

Results and Discussion:

Due to the fact that all human beings are dependent on their social environment, as a result, they are influenced by the society they live in and at the same time leave their own traces in it. As an artist, the poet and writer sometimes has a significant impact on the surrounding environment, so that this impact sometimes amounts to a revolution. This condition arises from the intervention of parties who are higher than several people. According to Goldman, these several personalities are transpersonal actors.

Conclusion:

Reza Brahini, a talented writer, like any writer who is influenced by various environmental and social factors in his society, looks at people and society with an open and alert view. As an informed person, he has always paid attention to the issues of his environment and looked at the issues with a critical and enlightened view, and the situation of the social environment and the concerns and issues of the people in the society have become important to him, and he has tried to somehow The format of the plot or the fictional characters should portray these issues.

Brahni is one of the few writers whose female characters in his writings are based on the knowledge of the ruling patriarchal culture. Women in "My Land's Secrets", contrary to the stereotypes of women in Persian literature, are represented in the main characters and have a stronger presence than men in the story. In this novel, with a critical attitude to the history of the revolution, Brahni considers women as the creative and effective forces in the revolution symbolically and in the form of narrative actions. This powerful image of women and their active role and effective activism during the revolution, as well as the power of leadership that was given to them, is rare among social and political novels before the secrets of my land. In fact, Brahni has chosen women to express his thoughts and political ideologies.

Keywords: Fiction, Sociology of Literature, Reza Brahni, Lucien Goldman.



تحلیل آثار داستانی رضا براهنی بر اساس نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن

زهرا ایرانمنش*

۱. نویسنده مسؤل، استادیار، گروه آموزشی زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان استان کرمان، کرمان، ایران.

ایمانامه: iranmanesh.zahra@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	جامعه‌شناسی ادبیات موضوعی تلفیقی از علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است. لوسین گلدمن از نظریه پردازان این مبحث تحلیلی است. در جامعه‌شناسی تکوینی گلدمن، ارتباط آثار ادبی و وضعیت اجتماعی و موقعیت اجتماعی نویسنده مد نظر قرار دارند و اثر ادبی بر مبنای این مفاهیم تحلیل می‌شود. هدف پژوهش حاضر این است که به روش توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای، آثار داستانی براهنی را بر مبنای نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن تحلیل کند. به این دلیل که ادبیات، زبان گویای هر جامعه است و کارآمدترین راه برای آشنایی با افکار و باورهای هر جامعه، غور در ادبیات آن جامعه است؛ پس باید آثار داستانی معاصر را از این زاویه نیز تحلیل کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که براهنی مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم‌چون بی‌عدالتی، خفقان سیاسی اجتماعی، ظلم حاکمان، تضاد طبقاتی، نفوذ و تسلط فرهنگی و سیاسی بیگانگان، ایستادگی در برابر جور و ستم و مواردی دیگر را دست‌مایه خلق آثار خود قرار داده است و این مضامین تحت تأثیر مسائل جامعه به داستان‌های براهنی راه یافته‌اند. از سوی دیگر، مسائل اجتماعی موجود در آثار رضا براهنی، همان دغدغه‌های طبقه‌ای از جامعه است که براهنی نیز به آن تعلق دارد و این طبقه، همان قشر روشن فکر جامعه است. بنابراین مهمترین مؤلفه نظریه جامعه‌شناختی لوسین گلدمن که همانا تأثیرپذیری اثر ادبی از طبقه اجتماعی مؤلف است، در داستان‌های براهنی نمود یافته، مضامین داستان‌های او همان دغدغه‌های طبقه اجتماعی نویسنده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲	
واژه‌های کلیدی: آثار داستانی، جامعه‌شناسی ادبیات، لوسین گلدمن، رضا براهنی.	

استناد: ایرانمنش، زهرا (۱۴۰۲). تحلیل آثار داستانی رضا براهنی بر اساس نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۲،

(۴)، ۲۳-۵۳.



حق مؤلف © نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/RP.2022.5561.1494

۱. پیشگفتار

جامعه و ادبیات در طول تاریخ، پیوسته با یکدیگر تعامل و بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته و دارند. هنر، دارای زیرشاخه‌های بسیاری است که یکی از این زیرشاخه‌ها، ادبیات داستانی است که شامل رمان و داستان می‌شود. رمان و داستان، قابلیت هم‌گام‌نمودن ادبیات و اجتماع را دارا هستند. نویسندگان عرصه ادبیات داستانی نیز با توجه به ساختار اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و فکری خود، مسائل و واقعیات اجتماع را در آثار خود بیان نموده‌اند. بنابراین می‌توان گفت بین ادبیات و اجتماع پیوند منطقی وجود دارد.

جامعه‌شناسی ادبیات، علمی بینارشته‌ای محسوب می‌شود که از یک سو از علم جامعه‌شناسی، قوانین و روش‌های آن بهره می‌گیرد و از سوی دیگر، به ادبیات با نگاهی جامعه‌شناختی نگاه می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت جامعه‌شناسی ادبیات، پیونددهنده اثر ادبی و جامعه است. برای تحلیل جامعه‌شناختی یک اثر، نخست باید اطلاعاتی درباره تاریخ سیاسی و اجتماعی سال‌های مربوطه داشته باشیم؛ چراکه نویسنده یک اثر در یک زمان مشخص و در یک جامعه معین، دارای نگرش و اعتقاداتی است که برخاسته از ارزش‌های عام جامعه خود است.

آثار ادبی، ارتباط نزدیکی و متقابلی با جامعه دارند؛ زیرا آفرینش‌گر ادبی، ضمن تأثیرپذیری از شرایط جامعه، واقعیات موجود در آن را در اثر خویش بازتاب داده، بدین ترتیب در مقام یک جامعه‌شناس قرار می‌گیرد.

هر اثر ادبی، کم‌وبیش، از جامعه و تحولات آن تأثیر می‌پذیرد و تا حدی نیز بر جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین می‌توان از تعامل ادبیات و جامعه سخن گفت و همین دادوستد متقابل میان این دو است که در جامعه‌شناسی ادبیات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از روش‌های نسبتاً جدید و کارآمد در نقد متون ادبی است که امروزه در تحلیل انواع ادبی به‌ویژه رمان کاربرد فراوانی دارد.

ادبیات هر عصری نمایانگر احوال حاکم بر آن زمان است. ادبیات، زبان گویای هر جامعه است و کارآمدترین راه برای آشنایی با افکار و باورهای هر جامعه، غور در ادبیات آن جامعه است. رمان و داستان با دیگر قالب‌های ادبی از اقبال بیشتری برخوردارند؛ رضا براهنی از نویسندگان و شاعران مشهور معاصر ایران است که آثار وی از منظر مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ ولی تا به حال

پژوهشی آثار داستانی او را از منظر جامعه‌شناسی ادبیات که نظریه نوپایی در ایران است، مورد بحث و بررسی قرار نداده است. به همین منظور، برای شناختن زوایای مختلف فکری و اجتماعی براهنی و تأثیر جهان بیرونی در جهان درونی براهنی و نوشتن آثار داستانی‌اش، در این پژوهش آثار داستانی وی براساس نظریه جامعه‌شناس ادبی گلدمن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اصل پیوند جامعه‌شناسی با ادبیات در زمینه داستان در این است که هر اثر داستانی در پشت ابعاد ادبی و سرگرمی خویش، حقیقت‌هایی از زندگی انسان‌ها را بارتاب می‌دهد. بیشتر جامعه‌شناسان ادبیات و منتقدین ادبی، با آگاهی از این که زمینه‌های اجتماعی، بستر تولید آثار فرهنگی هستند، رمان‌ها را داده‌های جامعه‌شناختی معرفی کرده‌اند. از نظر آنان، رمان، شاخصی برای روابط و نگرش‌های اجتماعی هستند (ر.ک: والت، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

مسائل و مشکلات پیچیده دوران معاصر، بر نویسندگان و آثار آن‌ها نیز، تأثیر به‌سزایی گذاشته است؛ زیرا نویسندگان همواره تحت تأثیر اوضاع جامعه خود قرار می‌گیرند و بازتاب آن را در آثار خود ارائه می‌دهند. نویسندگان معاصر برای بهتر جلوه‌دادن این مسائل در داستان‌های خود، سعی می‌کنند آن‌ها را در زندگی شخصیت‌های خود درونی کنند و از نحوه شکل‌گیری این شخصیت‌ها در درون مسائل و مشکلات اجتماعی است که به کمبودها و مشکلات جامعه خود اشاره می‌کنند. در رابطه با این مطالب گلدمن نیز چنین بیان کرده است:

«بین فرم ادبی و رابطه روزمره انسان‌ها در معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با انسان‌های دیگر، در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، هم‌خوانی وجود دارد» (گلدمن، ۱۳۹۰: ۲۹).

این موضوع سبب شده است که شخصیت‌های رمان از اهمیت بیش‌تری نسبت به گذشته برخوردار شوند و نویسندگان با دقت و ظرافت بیشتری به آن‌ها پردازند. شخصیت‌های رمان معاصر، در پیوند با جامعه و مسائل آن شکل می‌گیرند و نویسندگان با دانستن اهمیت این موضوع، شخصیت‌های داستانی خود را با به‌کارگیری عوامل جامعه‌شناختی به شکلی حقیقی و واقعی رشد و شکل می‌دهند. به‌کارگیری عوامل جامعه‌شناختی کمک‌شایانی به نویسندگان می‌کند تا در کنار استفاده از تکنیک‌های شخصیت‌پردازی، شخصیت‌های پیچیده و منحصر به فردی خلق کنند.

بنابر نظر گلدمن، تفکر و اندیشه افراد جامعه‌ای که ادیب یا هنرمند در آن زندگی می‌کند در آثاری که آن ادیب یا هنرمند می‌آفریند، مؤثر هستند. هر پدیده ادبی را با توجه به رابطه‌های افراد یک جامعه می‌توان نقد و بررسی کرد (همان: ۱۰۰)؛ بنابراین از خلال آثار ادبی می‌توان به افکار و اندیشه‌های خالق

آن آثار که برگرفته و تحت تأثیر جامعه زمان خود است، پی برد. جامعه‌شناس ادبی با بررسی جامعه شاعر یا نویسنده و تطبیق آن با آثار ادبی، هم به شناختی کلی از جامعه می‌رسد و هم این که عقاید شاعر و نویسنده را بررسی و تحلیل می‌کند. در این پژوهش برآنیم تا آثار داستانی رضا براهنی را با استفاده از نظریه جامعه‌شناختی ادبی لوسین گلدمن بررسی کنیم.

باتوجه به بررسی‌های نگارنده، درباره موضوع «تحلیل آثار داستانی رضا براهنی براساس نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن» تاکنون پژوهش و بررسی مستقلی انجام نشده است. از مهم‌ترین پژوهش‌های فارسی که درباره جامعه‌شناسی آثار براهنی انجام شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تقی آزاد ارمکی و شهرام سبزی (۱۳۹۰) در مقاله «بازنمایی جامعه پیش و پس از انقلاب با تکیه بر دو رمان رازهای سرزمین من و آزاده خانم و نویسنده‌اش اثر رضا براهنی» تصویر جامعه ایران در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی را در ادبیات داستانی رضا براهنی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش از میان آثار براهنی دو رمان رازهای سرزمین من و آزاده خانم و نویسنده‌اش انتخاب شد و به مفهوم‌شناسی و مقوله‌بندی این مفاهیم پرداخته شد. این مقاله با تأسی از پارسنز در چهار حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد انجام گرفته، یافته‌های آن بیان می‌کند که سازوکار اندیشه اجتماعی در ادبیات براهنی رویکرد فرهنگی- سیاسی دارد. به عبارتی رمان‌های او سیاسی هستند؛ اما از طریق فرهنگ دست‌یابی می‌شوند.

- محمدرضا صدقی و حاتم قادری (۱۳۹۱) در مقاله «کنش طبقاتی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی ایران مطالعه موردی رضا براهنی» بیان کرده‌اند که رضا براهنی در قامت یک نویسنده و منتقد ایرانی در چهارچوب چپ فرهنگی در عرصه ادبی ایران قرار می‌گیرد. او در سال‌های قبل و بعد از انقلاب ایران دست به تولید آثاری در حوزه نقد، شعر و داستان می‌زند که از یک‌سو، واجد مضامینی چون کنش طبقاتی است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تعهد او نسبت به دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای است که در آن زیست فکری می‌کند. این تعهد، خود مبتنی بر نوعی حماسه‌گرایی استوار بر اندیشه چپ است. از این رو، می‌توان کنش طبقاتی موجود در آثار براهنی را متأثر از چپ‌گرایی حماسی او دانست.

از آنجایی که پژوهش‌های نام برده، در بررسی آثار براهنی از نظریه گلدمن بهره نبرده‌اند، در این پژوهش سعی بر انجام این نوع بررسی در آثار براهنی شده است.

۱-۱. پرسش‌ها و روش پژوهش

- جهان‌نگری و بازتاب جامعه و عناصر آن دارای چه نشانه‌هایی در آثار براهنی هستند؟
- از جنبه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن، ساختار اجتماعی، درون‌مایه و شخصیت‌های آثار براهنی چه وضعیتی دارند؟
روش پژوهش حاضر نیز توصیفی - تحلیلی است که از ابزار کتابخانه‌ای بهره گرفته است.

۱-۲. چهارچوب نظری پژوهش

جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است که می‌توان آن را «مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد» (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۵). چنان‌که ذکر شد، ادبیات و جامعه ارتباط مستقیمی با هم دارند به عبارت دیگر:

«شاعر یا نویسنده‌ای یافت نمی‌شود که نخواهد با افراد جامعه خود درباره آنچه حس می‌کند و درمی‌یابد سخن بگوید. معنایش این است که ادیب از سوئی، بازتاب‌دهنده دریافت‌ها و انگیزه‌های جامعه خویش است و از سوئی دیگر، اندیشه‌های خود را در جامعه می‌پراکند» (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای، از یک سو، در بالاترین نقطه علوم ادبی ایستاده است که به زبان‌شناسی و فلسفه مرتبط می‌شود و از سوی دیگر، با علوم اجتماعی و تاریخ ارتباطی تنگاتنگ دارد. در بحث جامعه‌شناسی یا نقد جامعه‌شناسی ادبیات که با عنوان «جامعه‌شناسی در ادبیات» یا «جامعه‌شناسی ادبی» شناخته شده است، جورج لوکاج و لوسین گلدمن، برجسته‌ترین نظریه‌پردازان آن محسوب می‌شوند. در این رویکرد، بیشترین توجه، به بررسی محتوای اثر ادبی و رابطه آن با جامعه‌ای معطوف شده که اثر ادبی در آن خلق شده است. این رویکرد، در مراحل پیشرفته خود سعی در تطبیق جهان‌بینی یا جهان‌نگری موجود در یک جامعه و در عصری معین با فرم و محتوای اثر ادبی و هنری خلق شده در آن جامعه و دوران دارد. لوسین گلدمن با تأثیرپذیری از آرای جورج لوکاج و تکمیل نظریات او، توانست جامعه‌شناسی در ادبیات یا جامعه‌شناسی ادبی را به صورت یک رشته مستقل دانشگاهی و با بحث‌ها و مسائل کلیدی در زمینه فرهنگ، اجتماع و ادبیات درآورد (عسگری، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱).

از آن‌جا که نویسنده ادبیات داستانی، فردی اهل اندیشه و برخاسته از جامعه است، طبیعی است که در اثر خود به بیان مسائل گوناگونی بپردازد که در بین اقشار مختلف در جریان است. از این رو،

تحلیل و بررسی آثار آنان در شناخت جامعه، افراد و مسائل آنان و برنامه‌ریزی برای آینده، می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

«رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها، شاید به جز سینما، به‌طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد» (زرافا، ۱۳۸۶: ۹).

جورج لوکاک و لوسین گلدمن بر تأثیر محیط پیرامون بر فرم و محتوای ادبی تأکید ورزیده‌اند، تا آن‌جا که گلدمن رمان را «برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی» می‌خواند و بر آنست که: «آفرینش رمان به مثابه نوع ادبی، هیچ نکته شگفت‌انگیزی ندارد، صورت بی‌نهایت پیچیده‌ای که رمان در ظاهر ارائه می‌دهد، همان صورتی است که انسان هر روز در چهارچوب آن زندگی می‌کند» (پوینده، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

گلدمن خاطر نشان می‌کند که:

«نیازی نیست جامعه‌شناس باشیم تا بتوانیم بگوییم که رمان به عنوان گاه‌شمار اجتماعی، جامعه زمان خود را بازتاب می‌دهد» (همان).

بازتاب این حقایق در متون ادبی، منجر به پدید آمدن دانشی نوین با عنوان جامعه‌شناسی ادبیات گردیده است. جامعه‌شناسی ادبیات، رویکردی تازه در عرصه مطالعات جامعه‌شناسی آثار ادبی و «در واقع پلی است بین جامعه‌شناسی و ادبیات. موضوع این علم، رابطه ادبیات است با جامعه؛ یعنی به‌صورت تأثیر تحولات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی در ادبیات» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۴۰).

در تعریفی دیگر، می‌توان گفت جامعه‌شناسی ادبیات عبارت است از:

«توجه مطالب و حوادث اجتماعی مندرج در کتب نظم و نثر زبان فارسی، آن هم به‌صورت بسیار مختصر و بیان نقطه‌نظرهای نویسندگان و شاعران در مورد مسائل اجتماعی روزگار خود» (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۳).

در واقع یکی از مزیت‌های ادبیات نسبت به سایر اسناد و مدارک، ثبت دقیق جزئیات و وقایع در هر عصری است.

«حُسن ادبیات در این است که ویژگی‌های هر عصر را به دقت ثبت می‌کند و نمودار بلیغ‌ترین و گویاترین راه و رسم‌هاست» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۱).

با استفاده از چنین مزیتی، می‌توان اطلاعات وسیعی از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر دوره تاریخی به‌دست آورد.

دربارۀ اساس جامعه‌شناسی تکوینی در نظریه گلدمن باید گفت که شیوه گلدمن جست‌وجوی رابطه بین اثر ادبی و طبقات اجتماعی موجود در فضای به وجود آورنده اثر ادبی است. گلدمن رویکرد خود را «ساختارگرایی تکوینی» می‌نامد (کهنمویی پور، ۱۳۸۹: ۷۰). از منظر ساختارگرایی، در نظریه گلدمن «ساختارگرایی تکوینی بررسی منش تاریخی اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است» (گلدمن: ۱۳۸۲: ۱۱). پس می‌توان گفت؛ ساختارگرایی تکوینی، برداشت علمی از زندگی انسان است و در فرایند بازخوانی جامعه‌شناسانه یک اثر ادبی و با به‌کارگیری رویکرد ساختارگرایانه می‌توان به‌طور دقیق به تجزیه و تحلیل جامعه مورد بررسی پرداخت. نظریه لوسین گلدمن برگرفته از نظریه‌های ساختارگرایی جامعه‌شناسی است که وی آن را در حیطه ادبیات به‌کار گرفته است.

هر اثر ادبی، کم‌وبیش، از جامعه و تحولات آن تأثیر می‌پذیرد و تا حدی نیز بر جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین می‌توان از تعامل ادبیات و جامعه سخن گفت و همین دادوستد متقابل میان این دو است که در جامعه‌شناسی ادبیات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از روش‌های نسبتاً جدید و کارآمد در نقد متون ادبی است که امروزه در تحلیل انواع ادبی به‌ویژه رمان کاربرد فراوانی دارد.

مسائل و مشکلات پیچیده دوران معاصر، بر نویسندگان و آثار آن‌ها نیز، تأثیر به‌سزایی گذاشته است؛ زیرا نویسندگان همواره تحت تأثیر اوضاع جامعه خود قرار می‌گیرند و بازتاب آن را در آثار خود ارائه می‌دهند.

گلدمن برای تعریف نظریه جامعه‌شناسی خود، ابتدا مسأله جهان‌نگری را مطرح می‌کند و آن را در موقعیت اجتماعی و سیاسی توضیح می‌دهد. گلدمن معتقد است:

«جهان‌نگری، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها است که در وضعیت‌هایی مشخص در گروهی از انسان‌ها که در موقعیت اقتصادی و اجتماعی همانند و یکسانی هستند، یافت می‌شود؛ به این معنا که بر طبقات اجتماعی تحمیل می‌شود و فقط افراد محدودی می‌توانند به تمامی آن‌ها دست پیدا کنند؛ اما همگان نیز تا حدودی به آن می‌رسند. نتیجه آن، احساس و اندیشه و عملی است که افراد یک طبقه را به هم نزدیک می‌کند» (گلدمن، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

نویسندگان معاصر برای بهتر جلوه‌دادن این مسائل در داستان‌های خود، سعی می‌کنند آن‌ها را در زندگی شخصیت‌های خود درونی کنند و از نحوه شکل‌گیری این شخصیت‌ها در درون مسائل و

مشکلات اجتماعی است که به کمبودها و مشکلات جامعه خود اشاره می‌کنند. این موضوع سبب شده است که شخصیت‌های رمان از اهمیت بیش‌تری نسبت به گذشته برخوردار شوند و نویسندگان با دقت و ظرافت بیشتری به آن‌ها پردازند. شخصیت‌های رمان معاصر، در پیوند با جامعه و مسائل آن، شکل می‌گیرند و نویسندگان با دانستن اهمیت این موضوع، شخصیت‌های داستانی خود را با به‌کارگیری عوامل جامعه‌شناختی به شکلی حقیقی و واقعی رشد و شکل می‌دهند. به‌کارگیری عوامل جامعه‌شناختی کمک‌شایانی به نویسندگان می‌کند تا در کنار استفاده از تکنیک‌های شخصیت‌پردازی، شخصیت‌های پیچیده و منحصربه‌فردی خلق کنند.

از خلال آثار ادبی، می‌توان به افکار و اندیشه‌های خالق آن آثار که برگرفته و تحت تأثیر جامعه زمان خود می‌باشد، پی برد. جامعه‌شناس ادبی با بررسی جامعه‌شاعر یا نویسنده و تطبیق آن با آثار ادبی، هم به شناختی کلی از جامعه می‌رسد و هم اینکه عقاید شاعر و نویسنده را بررسی و تحلیل می‌کند. در واقع جامعه‌شناسی علمی است که جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی را بررسی می‌کند.

«جامعه‌شناسی ادبیات، به عنوان دانشی اجتماعی، به بررسی ادبیات این بخش از شعور اجتماعی می‌پردازد و با روشی علمی، جوهر اجتماعی آثار ادبی، شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی دربرگیرنده و پرورنده شاعر و نویسنده، جهان‌بینی و موضع فکری و فرهنگی آنان، مباحث و موضوعات و سفارش‌های اجتماعی مورد توجه در آثار ادبی را مورد مطالعه قرار می‌دهد» (ترابی، ۱۳۸۳: ۵).

اهمیت طبقه اجتماعی، در مبحث کلی جامعه‌شناسی ادبیات و نظریه گلدمن، در روابط درونی آن است؛ زیرا «گروه‌هایی در جامعه هستند که هدف عمل و آگاهی آنان، ساخت‌آفرینی تمام جامعه و در نتیجه ساخت‌آفرینی مجموعه روابط بین انسان‌ها با یکدیگر و روابطشان با طبیعت است. این گروه‌ها همان طبقات اجتماعی هستند که زیربنای جهان‌بینی آن گروه را فراهم کرده‌اند» (لنار، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۶). به‌طورکلی، جامعه‌شناسی رمان، حوزه‌ای پژوهشی است که به بررسی ارتباط میان رمان و واقعیات جامعه می‌پردازد. شباهت آشکار دنیای رمان با واقعیات اجتماعی باعث شده است که از ابتدای تولد رمان، بحث رابطه میان رمان با جامعه یا واقعیت در کنار آن جریان داشته باشد. این امر همواره توجه منتقدان را به خود جلب کرده است. میشل زرافا معتقد است:

«هیچ هنر یا گونه دیگری از ادبیات وجود ندارد که بتوان آن را دربرگیرنده حقایق فراوان وجود انسانی دانست مگر رمان» (زرافا، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

جامعه‌شناسی ادبیات، رویدادها و نگرش‌هایی را که در جامعه، علل به‌وجود آمدن یک اثر ادبی می‌شود، بررسی و ریشه‌یابی می‌کند. به دلیل ژرف‌اندیشی و پویایی شاعران و حساسیت شاعرانه آن‌ها می‌توان ردپای بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در شعر آن‌ها جستجو کرد و از لابه‌لای آن‌ها به چگونگی نوع زندگی مردم، نحوه امرار معاش، ناهنجاری‌های اجتماعی، بافت طبقاتی، سیاست‌های حاکم، عقاید، ارزش‌های اجتماعی، بینش‌های خاص، نقش مذهب و... دست یافت و چگونه زیستن، چگونه بودن و چگونه اندیشیدن ملتی را در آن مشاهده نمود.

بنابر توجه و اهمیتی که به روابط انسانی در جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات داده می‌شود، در نظریه گلدمن نیز روابط انسان‌ها مهم است. در مرحله نخست، گلدمن ساختارهای پیچیده‌ای را که همیشه در حال دگرگونی هستند، طرح می‌کند. این ساختارهای اجتماعی تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کنند. بنابراین این نوع تحلیل تکوینی «بررسی منش تاریخی و اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است» (گلدمن، ۱۳۹۰: ۲۸۹).

جامعه‌شناسی ادبیات، رشته‌ای از مطالعات ادبی است که رابطه میان آثار ادبی و اوضاع و احوال اجتماعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل بررسی چگونگی سواد و آگاهی در جامعه و انواع مخاطب، روش‌های نشر و عرضه‌های نمایشی و همچنین وضعیت طبقاتی و موقعیت اجتماعی نویسندگان و خوانندگان است (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷۴).

۲. تحلیل آثار داستانی رضا براهنی براساس نظریه جامعه‌شناسی تکوینی

در ادامه به بررسی آثار داستانی رضا براهنی براساس نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن پرداخته، مؤلفه‌های آن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

۲-۱. خفقان سیاسی و اجتماعی

با توجه به این که همه انسان‌ها وابسته به محیط اجتماعی خود هستند، در نتیجه تحت تأثیر اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند بوده، در عین حال آثاری از خود در آن بر جای می‌گذارند. شاعر و نویسنده به عنوان یک هنرمند، گاهی تأثیر به‌سزایی در محیط پیرامون خود می‌گذارد، به طوری که این تأثیر گاهی در حد یک انقلاب است. این شرایط از دخالت طرفینی که بالاتر از چند نفر هستند به وجود می‌آید از نظر گلدمن این چند شخصیتی فاعل‌های فرافردی هستند. گلدمن در مرحله نخست، فاعل جمعی و فاعل فرافردی را آفریننده راستین محصولات فرهنگی به‌خصوص آثار ادبی می‌داند؛ بنابراین در

بررسی‌های جامعه‌شناختی، عناصر معنادار به صورت پدیده‌هایی کاملاً و نه فردی مطرح می‌شوند (فراروتی، ۱۳۷۷: ۲۲۴). به همین دلیل نامنی اجتماعی، زمینه‌ساز نامنی روانی افراد جامعه است. هرگاه جامعه دچار آشفتگی و نابسامانی اجتماعی و اخلاقی باشد و فرد در تطبیق معیارهای خود با آنچه در جامعه مطلوب تلقی می‌شود، با مشکل مواجه گردد، دچار نامنی و فشار روانی و در نتیجه اختلالات روانی می‌شود. برای مثال براهنی در رمان *بعد از عروسی چه گذشت* در این باب چنین می‌گوید:

«پیش خودش فکر می‌کرد که پدر و مادرزنش، او را به خانه خود می‌برند، مخارج او را تأمین می‌کنند تا رحمت از زندان بیرون بیاید... ولی زنش آزاد بود. غرایز زنش در خانه، در جامعه، در خانه‌های دیگران، در خیابان‌ها، در شب‌های تاریک، در زیر مهتابی‌ها و پشت درها آزاد بود...» (براهنی، ۱۳۸۶: ۴۹)

یکی از ویژگی‌های رمان معاصر، تغییر و تناوب روایت در سه زمان گذشته، حال و آینده است. این ویژگی که «زمان پریشی» نام دارد، به دو صورت بازگشت به گذشته و پیشگویی و آینده‌نگری صورت می‌گیرد و در بعضی از بخش‌های این داستان نیز به چشم می‌خورد. فشارهای روانی حاکم بر رحمت که در زندان و زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا ایجاد شده است، باعث می‌شود رحمت چندین بار از خود بی‌خود شده و گاهی به پیش‌بینی آینده خود و مرگی که در انتظارش بود پردازد و گاهی به دوران گذشته، به روزهای خوش کودکی‌اش برگردد و در بعضی موارد هم خاطرات شیرین آشنایی با همسرش را به یاد آورد:

«کسی دستور می‌داد، گفت: بزن! و باز هم شروع کردند به زدن و حتی پس از آنکه افتاد به پشیمانی به زدن شلاق ادامه دادند و آن وقت دوباره شروع کرد به دویدن، حتی سریع‌تر از قبل می‌دوید و شروع کرد به خواب‌دیدن و سبک‌شدن. هیچ‌وقت تا این حد سبک نشده بود و باز همان قزوین بود و این بار بالا سر مردم، روی همان تخت شیب‌دار حرکت داده می‌شد و مردم داشتند دعا می‌خواندند و یا شعار می‌دادند و او از این دعاها و شعارها سخت خوشش می‌آمد... و مردم از برابر سینۀ دیوارها و سینۀ برفی درخت‌های کنار خیابان، از کنار تیرهای چراغ برق و هرها و مغازه‌های مشرف به باغ‌ها و پنجره‌های کرکره در کارخانه‌ها عبورش می‌دادند...» (همان: ۱۹)

رحمت که به راه افتاد زنش از پشت سرش گفت: «خدا حافظ» بیرون در، بیرجندیه با دست راستش از جیب شلوار نظامی‌اش چشم‌بند را درآورد و زد به چشم رحمت... تازه داشت عاشق زنش می‌شد که مجبور شده بود از او جدا شود... در سه چهار هفته اول ملاقات با زنش احساس کرده بود که عاشق

شده. ناگهان لبخند می‌زد، در آینه خود را نگاه می‌کرد، لباس مرتب‌تر می‌پوشید... پیش از آنکه زهره را ببیند مثل این بود که اصلاً چشم نداشت. زهره به او گفته بود که چشم‌های او عجیب در او اثر گذاشت و او اول عاشق چشم‌های او شد و...» (همان: ۵۹)

۲-۲. مبارزه با بی‌عدالتی و نقض حقوق انسانی

تلاش برای کاستن امتیازهای طبقه اشراف و افزایش قدرت ستم‌دیدگان و کاهش فشارهای اجتماعی از گرده قشر فرودست با تکیه بر عواطف آدمی، جزو برجسته‌ترین درون‌مایه‌های آثار رمانتیک محسوب می‌شود، به طوری که می‌توان گفت عمیق‌ترین و والاترین آرزوی رمانتیسیم، «محو تراژدی از کلّ صحنه جهان» و «حلّ و فصل موقعیت‌های تراژیک» به صورتی «غیرتراژیک» بوده است (لوکاچ، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴).

کمتر نویسنده و شاعری را می‌توان یافت که نسبت به بی‌عدالتی در جامعه بی‌تفاوت باشد و سرنوشت خود را جدا از سرنوشت مردمش بداند. براهنی، شاعری صریح‌اللهجه و تیززبان است و هرگز در برابر ظلم، سکوت اختیار نمی‌کند. او همواره نسبت به نقض حقوق انسانی توسط حکومت حساس است و در برابر آن موضع‌گیری می‌کند و از آنجا که راهی غیر از آثار ادبی‌اش ندارد، بنابراین انتقادهای خود را در قالب آثار ادبی‌اش و از جمله داستان‌هایش بیان می‌کند:

«یک نفر دست‌های محمود را گرفت، برد به پشتش دستبند زد و دوباره روی صندلی ول کرد و آن وقت محمود احساس کرد یکی از آن‌ها پرید روی میز یا روی یک بلندی دیگر و ایستاد و با صدای بسیار مشخص گفت: می‌دانی ما با کسی که علیه حکومت حرف بزند چه می‌کنیم؟ و معطل نکرد که محمود جوابی بدهد، سؤالی بکند، دستور داد دهن محمود را باز کنند. صدای مشخص جواب سؤال خود را داد: ما دهنش را سرویس می‌کنیم...» (براهنی، ۱۳۸۲: ۲۴۴)

۲-۳. انتقاد از باورهای خرافی مردم در زمان گذشته

چه بخواهیم و چه نخواهیم، نویسندگان جزء روشنفکران و پیشروان جامعه در عرصه علم و فرهنگ محسوب می‌شوند و طبیعی است که این قشر از جامعه در برابر خرافات و عقب‌ماندگی‌های فرهنگی مقاومت نشان دهند. رضا براهنی نیز جزء روشنفکران زمان خویش است و هرگز از خرافات و باورهایی که مبنای علمی و اعتقادی ندارند، استقبال نمی‌کند.

«محمود گفت: پدر! پرسیدم جن چه جور چیزی است؟ پدر طوری جواب داد که انگار دارد با خودش حرف می‌زند: تو تاریکی، تو تنهایی، ناگهان از یک جایی سردمی آورد تو جلد آدم.

خودش خیلی کم دیده می‌شود. به محض اینکه گفتم بسم‌الله درمی‌رود. اگر بسم‌الله نگویی دنبال می‌آید. مثل یک خرمگس درشت دنبال می‌آید تا بالاخره در یک جای تاریک در جایی تنها بچپد تو نت» (براهنی، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

۲-۴. ظلم حکام و بی‌عدالتی نسبت به زندانیان

از نظر گلدمن، طبقه اجتماعی را باید به‌طور جداگانه بررسی کرد و بحث فاعل و آفریننده را مطرح می‌کند بدین صورت که:

«پیوند دادن جهان‌نگری به طبقات اجتماعی و به ساختارهای ذهنی این طبقات، این امکان را برای نویسنده جامعه‌شناسی رمان فراهم می‌کند تا نظریه‌ی جامعی را درباره‌ی سرشت اثر پیروارد، فاعل آفرینش هنری را معین می‌کند و تعیین اجتماعی را به شیوه‌ای دقیق بیان دارد» (پاسکادی، ۱۳۸۱: ۶۲).

در این بخش نیز چند طبقه حاکم و زندانی مدنظر نویسنده است. اجتماعی که انسان در آن زندگی می‌کند تأثیری مستقیم بر افکار، اندیشه و رفتار او خواهد داشت و هنرمند با چشمانی بازتر از افراد عادی، به مسائل پیرامون خود دقت کرده، ارتباطی تنگاتنگ با یکایک آن مسائل برقرار می‌کند؛ نویسندگان نیز از این تأثیر برکنار نمانده، با طبعی لطیف، روحی حسّاس و بصیرتی مشرف بر مسائل جامعه، مشکلات آن را در لفافه طنز و انتقاد و در قالب رمان به تصویر می‌کشند و از بی‌عدالتی، فقر، اختلاف طبقاتی، دزدی، رشوه‌خواری و... سخن می‌گویند.

براهنی در مقام یک نویسنده واقع‌گرا می‌کوشد در قالب شخصیت‌های داستانی آثارش و نیز در مناسبات اجتماعی که میان قهرمانان برقرار می‌کند، راوی راستینی از جامعه روزگار خود باشد. هریک از شخصیت‌های داستانی وی علاوه بر داشتن ویژگی‌های فردی، طبقه‌ای از اعضای جامعه معاصر نویسنده را نیز نمایندگی می‌کنند.

آثار ادبی همواره در کنار سایر خصوصیات خود از جمله ویژگی‌های زیبایی‌شناختی، ادبیت و ایجاد لذت ادبی، همواره با مسائل اجتماعی و عوامل جامعه‌شناختی نیز عجین و همراه هستند. با مطالعه آثار ادبی می‌توان آشکارا به برخی از مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی روزگاری که آثار در آن پدید آمده‌اند پی برد. آثار داستانی برای نویسندگان، علاوه بر یک آفرینش هنری، جولانگاهی است که می‌تواند در آن عقاید و افکار خود را بیان کنند و اگر انتقادی نسبت به مسائل روزگار و یا راه‌حلی برای مشکلات جامعه خود دارند با بیانی رسا و جذاب برای خوانندگان خود عرضه کنند.

براهنی نیز مانند هر نویسنده‌ای که در جامعه خود تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی و اجتماعی قرار دارد با دیدی باز و هوشیارانه به مردم و جامعه خود می‌نگرد و در آثارش به‌خوبی انعکاس‌دهنده دغدغه‌ها و مسائل و مشکلات مردم روزگار خود است. به بیان دیگر، براهنی به انعکاس واقعیت‌های اجتماعی متعهد بوده است و بازتاب این مسائل را جزئی از آرمان نویسنده‌گی خود می‌پندارد. رحمت شخصیت اصلی داستان بعد از عروسی چه گذشت خود را قربانی بی‌عدالتی می‌بیند که به خاطر جرمی کوچک، تاوان سنگینی را می‌پردازد و در واقع قربانی فساد و بی‌عدالتی حاکم بر دستگاه قدرتمند می‌گردد:

«عده‌ای از روس‌های فراری هنوز هم در صورت بروز اختلاف یا احساس اهانت، طرف دیگر را به دوئل دعوت می‌کردند، چه مساوات جالبی. ای کاش رحمت هم می‌توانست با شاه به تنهایی روبه‌رو شود. و شاه در صورتی که احساس اهانت کرده بود او را به دوئل دعوت کند؛ ولی حالا رحمت در این دوئل واقعی عجیب در مانده بود. در یک طرف، شاه بود با تمام قوانین و مدال‌ها، ملتزمین رکاب، ارتش، ساواکی‌ها و بوروکرات‌ها، اشخاص مبادی آداب، رادیو، تلویزیون، زن و مادر و برادر و خواهرهای شاه و قیافه‌های زیبا و شیک آنها و در طرف دیگر، او بود در یک سلول انفرادی، یا در کنار زنش دستبندشده به یک نگهبان ساواکی و عواطف عجیب و غریب و خیالات وحشتناک که امانش نمی‌دادند. و به خاطر یک فحش، صدبار عذر خواسته بود؛ کتبا و شفاهاً. آیا شاه می‌دانست که این چاکر ناچیزش به علت یک توهین ناچیز بیش از صدبار از او عذر خواسته است؟ درباره یک فحش، دیگر چه تاوان بود تا او بدهد! ساعت‌ها شکنجه، هفته‌ها کتک خوردن. ماه‌ها توی سلول انفرادی! و تازه اینها کافی نبود! از او خواسته می‌شد برود برای دیگران تله بگذارد تا وقتی که از آنها هم عصبانی می‌شوند و به شاه فحش می‌دهند آنها را به داخل اتاق‌های شکنجه راهنمایی کند، با یک تلفن ساده یا یک گزارش کتبی یا شفاهی» (براهنی، ۱۳۸۶: ۵۳).

شکنجه‌های شدید مجازات عادلانه جرمی کوچک نیست و رحمت به عنوان قربانی این نابرابری، هیچ چاره‌ای جز تحمل ندارد:

«یک نفر پاهای او را بلند کرد و گذاشت روی یک تخت فتری مانند و گفت: دراز بکش. و او دستپاچه دراز کشید. احساس کرد که تخت شیب دارد. از سر به طرف پاهایش. دست و پایش را محکم به بالا و پایین تخت بستند. و سؤال‌ها همه درباره فحشی بود که او داده بود. چند هفته پیش و از روی عصبانیت شدید. و همان کسی که سؤال‌ها را می‌کرد، دستور داد با شلاق

بزندش. و این شلاق نبود. با سرعت برق، یک تکه زغال سرخ را می گذاشتند روی کف پاهایش، پاهایش می سوخت. احساس می کرد که همان طور که اطو را می گذارند روی خط اطوی شلوار و بعد صدای جزوجز می آید و بخار بلند می شود، باید از اصابت آن زغال با کف پاهایش بخار بلند شده باشد...» (همان: ۱۸).

ایگلتون درباره حضور طبقات اجتماعی گلدمن می گوید:

«او قصد دارد وضعیت تاریخی یک گروه اجتماعی یا یک طبقه را که به وسیله جهان بینی اش به ساخت ادبی تبدیل می شود نشان دهد» (ایگلتون، ۱۳۵۸: ۴۰).

بی عدالتی تا جایی پیش می رود که شخصیت اصلی داستان را به جای دیگری مجازات می کنند و

از شخصیت انسانی وی، بازیچه ای برای ظهور و بروز سبُعیت و وحشی گری خود می سازند:

«رحمت قسم می خورد و هر قدر قسم می خورد طرف همان قدر بیشتر اصرار می کرد. وسط مجادله در زیر گونی فهمید که او را با شخصی به نام رحمت شهپر عوضی گرفته است. سعی کرد مسأله را برای این غول زیر گونی روشن کند و در عین حال احساس می کرد که دچار خفگی خواهد شد... تهدیدش می کردند که او را به اتاق شکنجه خواهند برد و حالا داشتند می بردندش. او را با یک چریک عوضی گرفته بودند... اگر می مرد چقدر راحت می شد! ناگهان شروع کرد به لرزیدن و از هر طرف احساس فشار کرد. کنجکاو شده بود و می خواست بداند بدنش کی ساکت خواهد شد و کی خواهد فهمید که مرده است... می گفتند اگر رحمت شهپر پیدایش نشود، حتماً باید یک رحمت شهپر از رحمت شهپر ساخته شود و اگر رحمت شهپر وجود هم نداشت، باید از مقداری چیغ و هذیان، سرسام، کف دهن، شکنجه، تشنج سراسری، استفراغ، زانوهای که نزدیک بود آرد شوند... یک رحمت شهپر ساخته شود که چریک باشد...» (براهنی، ۱۳۸۶: ۹۵).

۲-۵. احساس ناامنی و بی اعتمادی به دیگران

رحمت شخصیت اصلی داستان بعد از عروسی چه گذشت قربانی ظلم و بی عدالتی حاکم بر جامعه است او در لحظات اضطراب و درماندگی، بی پناهی خود و خانواده اش را مجسم می کند و از هر گونه اعتماد به دیگران ناامید است:

«رحمت سه، چهار نفر از دوستانش را می شناخت که ممکن بود به زنش نزدیک شوند... منتهی این کار را دور از چشم ساواک و دور از چشم دیگران می کردند به دلیل اینکه کمک به زن یک زندانی، زندگی، شغل، حیثیت خانوادگی و اجتماعی کمک کننده را به خطر می انداخت.

ولی دو نفر از دوستانش را می‌شناخت که در به چنگ آوردن دل زنان انواع راه‌های مختلف را می‌آزمودند...» (همان: ۴۷).

این رابطه‌های درون‌متنی در رمان یا داستان، دیدگاه جامعه‌شناسانه گلدمن درباره رمان را نشان می‌دهد که «نوع ادبی زاده تنش میان ارزش و نفی آن است» (گلدمن، ۱۳۹۰: ۱۵۳). این تنش در این بخش از داستان در رابطه با دیگران به وجود می‌آید که ناامنی و بی‌اعتمادی جامعه تصویرسازی شده را بازتاب می‌دهد.

«رحمت باید همسرش را طلاق می‌داد. او چگونه می‌توانست مانع ورود اغواگریانه پسران فامیل به خانه همسرش شود؟... سرش گیج می‌رفت؛ ولی احساس می‌کرد که دارد بهترین تصمیم را می‌گیرد. جدایی از زهره!» (براهنی، ۱۳۸۶: ۵۰)

او همواره نگران همسر و خانواده خود است:

«تازه داشت عاشق زنش می‌شد که مجبور شده بود از او جدا شود. می‌دانست که در سلول خواهد نشست و بازجو با کاغذ و قلم به سراغش خواهد آمد و او و کالت‌نامه‌ای به نام پدرزنش خواهد نوشت... چگونه می‌توانست از زهره جدا شود! و چگونه می‌توانست او را طلاق ندهد. رحمت می‌دانست که در این دوره زمانه هیچ پدرزنی حاضر نمی‌شود که دامادی در زندان داشته باشد و این داماد به شاه فحش داده باشد. به این زودی از پدرزنش بدش می‌آمد» (همان: ۶۴).

۲-۶. بیان شرایط نابه‌سامان زندان و شکنجه‌های وحشیانه رژیم

براهنی هرگز از جامعه دور نبوده، مشکلات و مسائل مربوط به مردم و نوع رفتار حکومت با مردم را با گوشت و پوست خود درک کرده بود و همین امر باعث شده تا ریزترین مسائل اجتماعی و خصوصاً مسائل سیاسی در آثار داستانی او به‌وفور دیده شود. شرایط نابه‌سامان زندان و نوع شکنجه‌های رژیم پهلوی که در نوع خود بسیار وحشتناک و ناجوانمردانه بوده است، در چند داستان براهنی نمود داشته است:

«طوری ناخن را می‌کشید که انگار ناخن را نمی‌کشد، بلکه تمیزتر می‌کند اینور آنورش را می‌چیند و درواقع مانیکورش می‌کند. معلوم بود که خیلی از این کارها کرده بود. یکدفعه بیرونش نکشید... هم می‌خواست اقرار بگیرد. ناخن را از ریشه سست می‌کرد... پاهایم را بلند کردم به همان صورت که او گفته بود و او با نوک شلاق زد کفشهایم را کند. پاهایم می‌لرزید شروع کرد به زدن. کابل به سرعت به مغزم منتقل می‌شد...» (همان: ۱۷ و ۳۶).

۲-۷. فساد اجتماعی و عدم پابندی به ارزش‌های اخلاقی

آثار ادبی آینه تمام‌نمای جامعه هستند و هر آنچه در جامعه جریان دارد، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم ممکن است در آثار ادبی منعکس شود. اگر جامعه‌ای سراسر عدالت و انصاف باشد، این موضوع در آثار ادبی نیز ممکن است بازتاب داشته باشد و اگر در جامعه‌ای ارزش‌های اخلاقی و انسانی رنگ باخته باشد، باز ممکن است این مسائل در آثار ادبی خود را نشان دهد. عدم پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی باعث به وجود آمدن ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود و رفتارهای جامعه‌ستیز در جامعه، نتیجه مخالف بودن با اخلاق‌های هنجار شده اجتماعی است. در هر جامعه‌ای یک‌سری معیارها و ارزش‌های خاص اخلاقی وجود دارد و رفتار افراد با ارزش‌های مقبول در جامعه مشخص و سنجیده می‌شود؛ رفتارهای غیراخلاقی و مخالف ارزش‌های اجتماعی محرکی برای انحراف و بروز آسیب‌های اجتماعی خواهند بود. پابندی به اصول اخلاقی مهارکننده آسیب‌های اجتماعی است و با شکسته شدن مرزهای اخلاقی است که هیچ چیز سلامت لازم را نخواهد داشت و بسیاری از فعالیت‌ها بی‌اثر می‌شود. اخلاقی بودن یا نبودن رفتارها و عملکرد می‌تواند موجب بروز پیامدهای مثبت یا منفی در سطوح مختلف جامعه شود و سلامت روحی و روانی جامعه به عنوان پیامد مثبت و فساد اخلاقی به عنوان پیامد منفی آن انگاشته می‌شود. از آنجا که دوران زندگی براهنی با رواج انواع فسادهای اخلاقی و رنگ‌باختگی ارزش‌های اخلاقی مصادف بوده است، بنابراین این موضوعات در آثار او نیز نمود یافته است:

«ناگهان دو دست زنانه از پشت چشم‌های بیلتمور گرفت و صدایی آهسته گفت: حدس بزن کیه؟ اگر گماشته برمی‌گشت به‌راحتی ما را می‌دید با شتاب دست‌ها را از روی چشم‌هایم بلند کردم برگشتم با کمال تعجب دیدم سودابه است همسر تیمسار. شما می‌خواهید چه کار کنید؟ این چه لباسی است که پوشیده‌اید؟ لباس خواب تنش بود و از زیر آن همه جای بدنش دیده می‌شد» (براهنی، ۱۳۶۷: ۲۰۹).

۲-۸. حضور انسان‌های خودفروخته در ساواک

ساواک، سازمان مخوفی بود که در سال‌های پیش از انقلاب تأسیس شد؛ سازمانی اطلاعاتی-امنیتی که برای پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی حکومت پهلوی پا به عرصه وجود گذاشت. سازمان اطلاعات و امنیت کشور با نام مخفف ساواک «با استفاده از کمک‌ها و آموزش‌های آمریکا و اسرائیل به تدریج یکی از بزرگترین و معروف‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در سطح جهان شد و در طول

بیست و دو سال موجودیت خود، بیشترین نقش را در جریان‌های سیاسی و امنیتی کشور داشت. به طوری که مورد توجه شدید شاه و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) قرار گرفت و از کلیه امکانات و اختیارات لازم برخوردار شد» (منصوری، ۱۳۷۶: ۲۷). با مطالعه آثار براهنی و بررسی چگونگی بازتاب و نگرش نویسنده به این سازمان، بیشتر به عملکرد و جایگاه این سازمان، در زندگی مبارزان سیاسی در دوران پهلوی پی می‌بریم.

براهنی نیروهای بازجو و مسئولان شکنجه در زندان‌ها را افرادی خودفروخته و «بله قربان» گو می‌داند و معتقد است که این گروه از انسان‌ها هرگز ارزشی به انسانیت و جوانمردی نمی‌دهند و از آنجا که خود را سرباز و برده شاه می‌دانند، پس هر دستوری صادر می‌شود بدون استثنا و بدون دخالت دادن احساسات انسانی اجرا می‌کنند:

«بعضی‌ها بعد از خوردن شلاق عوض می‌شوند؛ یعنی یک تیپ خاص هست که هم شلاق می‌خورد و هم عوض می‌شود. و کسی عوض شد. اگر دوباره فوراً عوض نشود و به موضع قبلی برنگردد ممکن است تا آخر به همان صورت عوض شده باقی بماند. آن وقت وحشتناک‌ترین موجود دنیا خلق می‌شود به دلیل اینکه طرف شروع می‌کند به توجیه کردن خودش برای هر کار خلافی که می‌کند یک منطق به ظاهر صحیح پیدا می‌کند» (براهنی، ۱۳۶۲: ۱۶).

دکتر با احساس ترحم می‌گفت: این بدبخت‌های احمق از ما هم اسیرترند. از ما هم برده‌ترند. آخر یعنی چی؟ این هم شد کار، که آدم زندگی و زن و بچه‌اش را ول کند، شب و روز تو اتاق تمشیت باشد، یا بیخ گوش اتاق تمشیت، سؤال‌های یکنواخت بکند، جواب‌ها یکنواخت بشنود، شلاق بزند، شکنجه بده، از روی ناچاری و برحسب یک حس وظیفه‌شناسی احمقانه، هرچه فحش است به همه بدهد. که چی؟ آخر این هم شد کار؟ دکتر اینها را می‌گفت» (همان: ۴).

دکتر می‌گفت: آدم وقتی که با چشم‌های بسته، با آن پارچه لعنتی روی چشم‌هاش، وسط دو تا از اینها نشسته، انگار وسط دو حیوان گمنام و بی‌هویت نشسته. و بعد می‌خندید و می‌گفت: «مثل آهوپی است که وسط دو تا گاو به آخور بسته شده» (همان: ۲).

در این نمونه‌ها، نویسنده توانسته است نمایانگر این باشد که بسیاری از افراد عضو ساواک در رژیم طاغوت، افرادی بی‌اصالت و دور از انسانیت بوده‌اند. آن‌ها به راحتی به شکنجه هموعان خود می‌پرداخته‌اند، بی‌آنکه حتی بدانند چرا و به چه دلیل! کاملاً بدون فکر و تنها به خاطر دستورات مقامات

ما فوق خود.

۲-۹. حضور نیروهای بیگانه در ایران و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... آن

در سده اخیر، هجوم استعمارگران به منابع فرهنگی و مادی ملت‌های ضعیف در همه زمین‌ها واکنش عمیقی را برانگیخته است و بیش از همه شاعران بوده‌اند که وظیفه مقابله با ستم استعمار را بر عهده داشته‌اند. البته این وظیفه نویسندگانی بوده که به «هنر متعهد» معتقد بودند. نیروهای بیگانه در آثار براهنی یادآور افراد استثنایی در نظریه گلدمن است. از نظر او «افراد استثنایی آگاهی طبقاتی را بهتر و دقیق‌تر از دیگر اعضای گروه بیان می‌کنند» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۲۰۶). این نیروها نمادی از این طبقه در نظریه گلدمن هستند.

یکی از عوامل عدم پیشرفت در هر کشوری دخالت و حضور مداخله‌جویانه قدرت‌های اجنبی در آن کشور است که با حضور خود سعی در مانع‌تراشی در جهت پیشرفت و توسعه آن کشور را دارند؛ چرا که منفعت آن‌ها در وابستگی کشورها به آن‌هاست؛ بنابراین کشور مداخله‌گر، ضمن فراهم کردن اسباب حضور خود از طریق تاجران، مزدوران یا از راه قدرت، موجبات دخالت خود را فراهم می‌کنند. برای اینکه یک کشور در مسیر رشد و ترقی حرکت کند باید افرادی شایسته و کاردان مسئولیت اداره کشور را بر عهده بگیرند و با به‌کاربردن سیاست‌های درست و کارشناسی‌شده و قراردادادن افراد لایق، راه پیشرفت و ترقی کشور را هموار کنند؛ اما شکی نیست که اگر افراد ناشایست و غیرخبره در رأس کارها قرار گیرند بر همه روشن است که این‌گونه افراد با احراز سیاست‌های کارشناسی‌نشده موجبات سقوط و رکود یک جامعه را فراهم می‌کنند.

«سه روز پیش گروه‌بان‌های گردان پیش من آمدند گفتند کرزالی از میان افسرهای تیپ، شما را انتخاب کرده. در واقع از نجابت و افتادگی شما سوءاستفاده می‌کند. به زن یک سرگرد تجاوز کرده. ما اجازه نخواهیم داد او از اردبیل خارج شود می‌خواهیم کلکش را بکنیم» (براهنی، ۱۳۶۷: ۲۹۷).

۲-۱۰. قومیت‌گرایی

یکی دیگر از عوامل اجتماعی که در پیدایش گوناگونی‌های درون‌مایه در آثار براهنی نقش دارد، قومیت است. هر قوم ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و اجتماعی خاص خود را دارد. از این رو، می‌توان آثار براهنی را بر این اساس مورد بررسی و مطالعه قرار داد. قومیت به منزله گروه یا طبقه اجتماعی است که گلدمن معرفی کرده است. او در رابطه با انسان و اجتماع بحث اندیشه را مطرح می‌کند. اندیشه

معنای واقعی خود را وقتی نمایان می‌سازد که در مجموعه زندگی و رفتار انسان گنجانده شود و این رفتار، تنها رفتار نویسنده نیست؛ بلکه رفتار یک گروه اجتماعی و درباره آثار مهم، رفتار یک طبقه اجتماعی است. به همین ضرورت پژوهشگر نیز باید اثر را در مجموعه دگرگونی‌های تاریخی جای دهد و آن را با مجموعه حیات اجتماعی مرتبط کند (ر.ک: گلدمن، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

قومیت، متغیری اجتماعی-زیستی است و در جوامع مرکب از اقوام گوناگون، متغیر تأثیرگذاری است. وجود عنصر قومیت مقوم پدیده قوم‌گرایی نیز هست. قوم‌گرایی نیز یک پدیده اجتماعی چندبعدی است که هم می‌تواند آثار اجتماعی مثبت و هم آثار اجتماعی منفی داشته باشد. احساس تعلق به قوم به خودی خود امری منفی نیست، بلکه چه بسا آثار بسیار مثبتی نیز دارد. قوم‌گرایی در معنای تعلق مثبت به قوم با عام‌گرایی منافاتی ندارد.

مباحث قومی و نژادی، یکی دیگر از مسائلی است که همواره در جامعه جریان دارد و بحث برتری یک قوم و یک نژاد بر قوم و نژادی دیگر، سابقه‌ای به طول تاریخ دارد. در کشور ما نیز به دلیل تنوع قومی و نژادی، همواره بحث از برتری قومی و قومیت‌گرایی وجود داشته، همین موضوع در آثار داستانی براهنی نیز خود را نشان می‌دهد. تأثیر مباحث قومیتی در آثار داستانی براهنی نیز کاملاً مشهود است، به‌طور مثال در داستان چاه به چاه در اواسط داستان، براهنی قصه هم‌سلول شدن یک جوان تهرانی که به اشتباه زندانی شده و از طبقات بالا اجتماع است با یکی از شخصیت‌های داستانش که دکتری با اصالت ترکی است، این‌گونه روایت می‌کند:

«دکتر خواست محبت‌های یک زندانی با سابقه را در حق جوان خوش قد و بالا به جا بیاورد، که جوان فهمید دکتر، ترک است. بلند شد، ترسش را کنار گذاشت و مثل جن زده‌ها زد به در. چند دقیقه بعد نگهبان در را باز کرد و با عصبانیت پرسید، چی شده؟ جوان با لحن اعتراض‌آمیز گفت: من با یک ترک تو سلول نمی‌مانم! نگهبان گفت: «خفه شو، دست تو که نیست!» (براهنی، ۱۳۶۲: ۵۶).

۲-۱۱. مبارزه سیاسی و ایستادگی در برابر ستم حاکمان و افشای ستم‌های آنان

از جمله تلاش‌های نویسندگان آزادی‌خواه همیشه این بوده‌است که با مشاهده مشکلات و گرفتاری‌های مردم، به مسبب اصلی آن‌ها یعنی حاکمان بی‌خرد حمله کرده‌اند و نهایتاً توان خود را به کار برده‌اند تا با نوشته‌ها و سخنان گزنده آن‌ها را متوجه سیاست‌های ناسنجیده‌شان کنند؛ چرا که در اثر این سیاست‌ها و بی‌کفایتی‌ها و ناکارآمدی‌های آن‌ها، چه بلاهایی بر سر مردم آورده‌اند!

یکی از مسائل اجتماعی که حجم وسیعی از داستان معاصر را به خود اختصاص داده است «مبارزه با ستمگران و خودکامگان» تاریخ است. نیش قلم هنرمند در این آثار متوجه تمام افرادی است که غاصبانه و ظالمانه بر گرده مردم سوار شده‌اند و به یاری زر و زور و تزویر و بهره‌گیری از امکانات تبلیغاتی و کمک روشنفکران وابسته به مطامع دنیوی، زمینه تباهی استعدادها و توانایی‌های فکری قشر عظیمی از مردم ضعیف را فراهم آورده‌اند (رادفر، ۱۳۶۶: ۱۸۸). اگرچه در آثار بسیاری از آثار فارسی زبان، آثاری در این رابطه به چشم می‌خورد؛ اما این مسأله با شکل‌گیری جنبش مشروطه به صورت گسترده‌تری در ادبیات منعکس شد و در داستان با زبان و بیانی هنری تر جلوه نمود.

ظلم‌ستیزی، مشخصه رفتاری فطری است و برای این احساس ناب نمی‌توان مرز و جغرافیای خاصی تعریف کرد. صدای ادبیات متعهد، فریادی است که آزادی، عدالت و تساوی را بشارت می‌دهد. عصری که آمیختگی همه امور، خاصه ادبیات را با مسائل اجتماعی و سیاسی می‌بینیم. عصری که نویسندگان آن مضامینی از این دست را وارد ادبیات کردند. از آزادی و برابری سخن گفتند و حتی جان خود را بر سر این اصول نهادند. بی‌گمان هرکس حتا با تورقی، داستان‌های این دوره را از نظر بگذراند، خواهد دید که برای نخستین بار است که مفاهیمی از این دست که در قلمرو دموکراسی می‌گنجد، از قلم نویسندگان آن جاری شده و زمینه‌ای را آفریده است برای حضور مضامین اجتماعی و سیاسی گسترده در گستره متون ادبی. بی‌شک تمام منتقدین بر این نکته تأکید دارند که این گونه مضامین در بیان ادیبانه غالباً خام، احساسی، شکل نیافته و بیشتر متأثر از هیجانات آنی روزمره است؛ اما با این همه، این فضل تقدم را نباید از نظر دور داشت. در یک نگاه، ادبیات متعهد بازتاب هیجانات انسان‌هایی است که به دنبال مدینه فاضله اجتماعی می‌گشتند، بی‌آن که خود بکوشند با دریافت واقعیت، شهرکی بسازند استوار بر واقعیت وجودی جامعه‌شان و برخی از اینان معصومانه در این راه جان باختند:

«دکتر می‌گفت: مردم مثل یک جنگل هستند، یک درخت را می‌توان با تبر زد و انداخت. می‌توان صد یا هزار درخت را با تبر زد و انداخت؛ ولی هیچ‌کس نمی‌تواند جنگل را بزند و بیندازد هیچ‌کس این قدرت را ندارد. پس باید قدرتی مثل قدرت یک جنگل داشته باشد برای زنده ماندن، نمی‌توان فقط به زندگی تکیه کرد. باید به زندگی دیگران هم تکیه کرد. باید جزئی از جنگل بود، به دلیل اینکه جنگل تقریباً همیشه دست نخورده باقی می‌ماند. دکتر این حرف‌ها را می‌زد. آدم ساده‌ای بود. اصلاً تودار نبود. زن داشت. بچه داشت، نگران بچه‌اش بود، نگران

زنش بود؛ اما با این همه از مبارزه دست بردار نبود» (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۳).

در این مثال شخصیت دکتر به عنوان مبارزی انقلابی نشان داده شده است. شخصی که با وجود ترس و تعلقات، مبارزه را کنار نمی‌گذارد و معتقد است برای درک مقصود باید با یکدیگر متحد بود. «دکتر می‌گفت: هدف قهرمان‌شدن خود قهرمان‌شدن نیست؛ بلکه هدف تغییر اوضاع است؛ حتا اگر تو قهرمانش نبوده باشی. خودت را به کل عمل ایثار کن. جزئی از کل عمل باش. و به صورت گمنامش، که در آن صورت کل عمل هم هستی با تمام اجزایش. داد نزن که این هستی یا آن هستی! و اگر جلوی دشمن داد می‌زنی، داد عوضی بزنی. بگذار نفهمند که این هستی یا آن هستی. دست رو کردن به دشمن از هر بدیاری بدتر است، چون او بلافاصله حکم اعدام تو را صادر خواهد کرد. البته و صد البته و هزار البته خود را نفروش. چون در آن صورت به مبارزه هم از پشت و هم از روبه‌رو خنجر زده‌ای. دکتر اینها را می‌گفت. در آن سلول عمیق مثل قبر و من می‌شنیدم و مگر می‌شد نفهمم که مخاطب او دقیقاً من هستم» (همان: ۴۴).

در مثال مذکور دکتر به راهنمایی و ارشاد حمید می‌پردازد و شرایط مبارزه را برای وی بیان می‌کند و روح مبارزه‌طلبی و هدف از آن به‌خوبی آشکار است.

۲-۱۲. بازتاب فقر و نقش آن در زندگی زنان

براهنی به عنوان نویسنده‌ای مطرح در جامعه معاصر است که در آثار خود به مشکلات زنان جامعه پیرامون خود پرداخته است. مشکلاتی که در جوامع مردسالاری بی‌شمارند. این آگاهی مطلق و آگاهی ممکن نسبت به جامعه را درد نویسنده نشان می‌دهد که از نظر گلدمن «حداکثر آگاهی ممکن یک طبقه اجتماعی همیشه یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهد که از دیدگاه روانشناسی منسجم است و ممکن است به صورت مذهب، فلسفه، ادبیات یا هنر بیان شود» (گلدمن، ۱۳۹۰: ۳۹). درون‌مایه فقر آگاهی را در شخصیت و سبک زندگی زنان به مخاطب نشان می‌دهد که آگاهی درون‌داستانی و برون‌داستانی را به‌وجود می‌آورد.

در طی دهه‌های اخیر پیدایش رمان و مورد قبول عام قرار گرفتن آن وسیله‌ای بود که نویسندگان توانستند با بهره‌گیری از آن جنبه‌هایی از زندگی زنان را به نمایش بگذارند. براهنی نیز از جمله این نویسندگان است که می‌خواهد از طریق نوشتن با جامعه در ارتباط بوده، درد زن در جامعه را از طریق بازآفرینی زنی که ساخته اجتماع و پرورده ذهن نویسنده است، به نمایش گذارد او در آثار خویش به مشکلات زنان پرداخته است، زنانی از هر قشر و طبقه. زنانی که هر اتفاقی در زندگی را با صبوری

تحمل می‌کنند و یا زنانی که به مبارزه برخاسته و سعی در شکستن سنت‌ها دارند.

هر چند در بسیاری از جوامع امروزی، زنان و مردان به‌طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند؛ اما باز هم به‌نظر می‌رسد که در برخی زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری دارند. این امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان دو جنس می‌گردد. برای مثال، زنان در زمینه‌هایی مانند خیاطی، بافندگی، آشپزی و آرایش تجربه بیشتری دارند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۰) از این رو، اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها زنانه‌اند و از آنجا که با تصورات و انتظارات جامعه از زن هم‌خوانی دارد، وارد باورهای زنان شده و به‌صورت ناخودآگاه در نوشته‌هایشان نمود پیدا می‌کند.

فقر یکی از معضلات اجتماعی است که گریبانگیر بخشی از اجتماع است. بسیاری از بزهکاری‌ها و جرائم قضایی نیز پیامد این مسأله شوم اجتماعی است. سایه سنگین و سیاه این پدیده با شدتی بیشتر بر زندگی زنان در سطح اجتماع و خانواده افکنده می‌شود.

در بررسی شخصیت‌های داستانی براهنی شاهد پیامدهای خاص این معضل اجتماعی هستیم. فقر و تنگدستی در نهایت سبب می‌شود که زنان، متحمل رنج‌های بسیاری گردند. اولین نمود این مسأله در صحبت‌هایی که میان بابک پوراصلان و گروهبان دیویس آمریکایی پیش می‌آید، مطرح می‌شود و گروهبان آمریکایی بیان می‌کند که «این قماش از زن، همیشه هم به فکر پول یک مرد است، نه زبان و ملیتش» (براهنی، ۱۳۸۷: ۱۶).

باجی‌های تبریز که از شدت فقر و نداشتن توان مالی برای سیرکردن شکم خود و خانواده‌شان، کلفتی گروهبان‌ها را می‌کنند، مجبورند تن به تمامی خواسته‌های آنان نیز بدهند.

«باجی‌ها همه‌شان با گروهبان‌ها رفیق‌اند. بالاخره گروهبان رئیس است و هر حرفی بزند کلفت باید بکند» (همان: ۲۳۵).

نمونه دیگر زندگی دخترک هفده ساله ارمنی و کلفتی است که گروهبان دیویس با خریدن چند کادو و دادن قول ازدواج، او را به خدمت خود در می‌آورد و بعد از اینکه از او سیر می‌شود، رهایش می‌کند. در نهایت این دختر در وضعیتی مبهم ناپدید می‌شوند:

«عده‌ای دیگر می‌گفتند که دختر به دست یک درجه‌دار آمریکایی به قتل رسیده» (همان: ۳۱)

البته طبق تحقیقاتی که درباره بزهکاری زنان صورت گرفته است، فقر و نابسامانی خانواده، از جمله علل اصلی گرایش زنان به انجام اعمال مخالف شمرده می‌شود. سو ادواردز که پژوهشی در باب ریشه روسپی‌گری زنان انجام داده، معتقد است توضیح علت روسپی‌گری زنان، ادامه توضیح علت سرکوب و

استثمار آنان در جامعه مردسالار است. به گفته او اغلب دختران و زنان جوان به دلیل ناتوانی بالقوه در کسب درآمد مکفی، کاهش فرصت‌های شغلی و ته کشیدن مستمری بهزیستی به فحشا روی می‌آورند. (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

در چنین شرایطی است که زنان برای رهایی از فقر و به امید یافتن زندگی بهتر، قدم در راهی می‌گذارند که در انتها منجر به تباهی آن‌ها می‌شود. جلوه دیگری از فقر و پیامدهای آن بر زندگی زنان در این رمان، در زندگی زن و مرد ترکی مشاهده می‌شود که چهار فرزند دارند و از شدت فقر و نداری، در ازای مبلغ هزار و دویست تومان، دختر کوچکشان را به گروهان راسی آمریکایی می‌فروشند.

«مادر بیچاره یکی از بچه‌هایش را شیر می‌داد و سه تا بچه دیگر تو گل‌ولای، تو یک حیاط کوچک با سی، چهل تا بچه دیگر از سر و کول هم بالا می‌رفتند. خانه‌شان توی «گود مرده شوخانه» بود. از محالت فقیرنشین تبریز، که اکثراً گاریچی و درشکه‌چی و کارگر قالیباف توش زندگی می‌کنند... مادری که دید زد زیر گریه و گفتم با پدر بچه صحبت کرده و شب تمام مدت با هم گریه می‌کردند» (براهنی، ۱۳۸۷: ۲۳۷).

فقر و پیامدهای آن بر زندگی مادر حسین میرزا نیز کاملاً آشکار است. او مجبور است در خانه‌های تجار شهر کار کند و ته‌مانده سفره را برای همسر و فرزندش بیاورد.

«هرگز طعم غذاهایی که مادرم پس از کار کردن در خانه‌های تاجران مختلف راسته کوچه به خانه می‌آورد، فراموش نشده است. مادر در این خانه‌ها، در روزهای جشن و سوگواری، عروسی و عزا کار می‌کرد. شب ته‌مانده سفره‌ها را بین فقرا قسمت می‌کردند» (همان: ۳۲۹).

۲-۱۳. خشونت

موضوع خشونت و انواع آن نیز در داستان‌های براهنی به تصویر کشیده شده است.

«خشونت به صورت‌های متفاوتی در خانواده مشاهده می‌شود: خشونت روانی شامل دشنام‌دادن به زن و تحقیر او یا افراد خانواده‌اش است. خشونت اقتصادی به صورت پول‌ندادن به همسر یا دادن پول کمتر از میزان لازم، ظاهر می‌گردد. خشونت اجتماعی به معنای ممانعت از برقراری روابط اجتماعی با دیگران مخصوصاً خانواده زن و در نهایت خشونت‌های جنسی به معنای تجاوز یا سوءاستفاده جنسی است» (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

خشونت و رفتارهای تهدیدآمیز، از جمله موارد سلب امنیت روحی و روانی افراد مخصوصاً زنان

است.

«زمانی که در یک رابطه تعارضی میان دو نفر، یکی از آن‌ها که قدرت و اقتدار بیشتری دارد (مثلاً از نظر بدنی قوی‌تر است یا منابع اقتصادی بیشتری در دسترس دارد) از اقتدار برای پیشبرد امیال خود، بدون توجه به امیال فرد دیگر استفاده کند، از خشونت نام می‌بریم» (همان: ۲۳). یکی از موارد خشونت در داستان‌های براهنی، تجاوز به زنان، (معمولاً به خاطر زیبایی) است. تجاوز به ماهی در مقابل چشم همگان و تحقیر او و تجاوز سروان کرازلی به زن یک سرگرد ترک در رمان *رازهای سرزمین من* از این موارد است.

در حقیقت تجاوز به زن در جامعه، ناشی از نگرش نامناسب به زن است که او را تنها نوعی اُبژه جنسی برای ارضای نیازهای شهوانی مردان می‌دانند. آنچه سبب تداوم رفتارهای خشونت‌آمیز در اجتماع می‌گردد، پذیرش آن توسط افراد است. زنانی که در این رمان مورد رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند، با پذیرش این مطلب هر چه بیشتر در تثبیت و تداوم خشونت نقش دارند.

ماهی که خود نقشی در قرار گرفتن کنار ضراب ندارد می‌گوید:

«ضراب را من انتخاب نکردم، برایم انتخاب شد. خودم خبر نداشتم. مگر یک کادو می‌فهمد

که دارد به چه کسی تقدیم می‌شود» (براهنی، ۱۳۸۷: ۱۱۲۱).

ضراب (کسی است که قبلاً ماهی را به اربابش تقدیم کرده)، بدون هیچ مخالفتی او را می‌پذیرد و در زندگی با او، نه تنها شنیع‌ترین فحش‌ها را نثارش می‌کند؛ بلکه به دفعات مکرر او را کتک می‌زند. گرچه ماهی یک‌بار از دستش فرار می‌کند و به مدت یک ماه پنهان می‌شود؛ اما با وعده‌های ضراب مبنی بر اصلاح کردن رفتارش، برمی‌گردد و دوباره تحقیر می‌شود و مورد فحاشی و ضرب و شتم قرار می‌گیرد.

دشنام، ناسزا و دادن القاب زشت، از جمله آزارهای روانی است که ماهی در رابطه‌اش با ضراب متحمل می‌شود (همان: ۱۱۳۱).

زنان دیگری در رمان، انواع دیگری از خشونت را تحمل می‌کنند. از جمله آن‌ها، رقیه خانم است. «از روزی که حاجی گلاب آب توبه روی سر رقیه خانم ریخته، زن بیچاره، حتی یک بار هم مادرش را ندیده» (همان: ۵۷۵). او حق ندارد گردی صورتش را به هیچ مردی نشان دهد و همواره باید چادرش تمام صورتش را بپوشاند.

زن‌های پدربزرگ حسین میرزا به دلیل اینکه همگی با هم در یک خانه محقر زندگی می‌کنند، نه

تنها خودشان همواره با یکدیگر دعوا و کتک کاری دارند؛ بلکه شوهرشان نیز آن‌ها را تحقیر می‌کنند و مورد فحاشی و ضرب و شتم قرار می‌دهد.

«همان شب، مسی را با همه بچه‌هایش زده بود از خانه بیرون کرده بود. وقتی من به دنیا آمدم مسمه با بچه‌هایش در یک اتاق زندگی می‌کرد، و ممه با دو بچه‌اش در اتاق دیگر» (همان: ۳۱۱).

در مجموع، چنانکه مشاهده می‌کنیم، وضعیت وخیم زندگی زنان در داستان‌های براهنی منعکس شده است و وقتی این موضوع را از نظر جامعه‌شناسی تکوینی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که براهنی در توصیف وضعیت مردم و از جمله زنان، به طبقه اجتماعی آنان نیز نظر داشته، همین امر نشان می‌دهد که بعد جامعه‌شناختی داستان‌های براهنی با مؤلفه‌های نظریه جامعه‌شناسی تکوینی لوسین گلدمن تطابق دارد.

۳. نتیجه‌گیری

رضا براهنی نویسنده توانا نیز مانند هر نویسنده‌ای که در جامعه خود تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی و اجتماعی قرار دارد، با دیدی باز و هوشیارانه به مردم و جامعه می‌نگرد. وی همواره همچون فردی آگاه، به مسائل محیط خود توجه داشته است و با نگاهی انتقادی و روشنگرانه به مسائل می‌نگریسته، اوضاع و احوال محیط اجتماع و دغدغه‌ها و مسائل افراد جامعه برای وی مهم جلوه کرده است و سعی کرده به نوعی در قالب طرح داستان یا شخصیت‌های داستانی خود، این مسائل را به تصویر بکشاند. در آثار داستانی رضا براهنی دو محور به چشم می‌خورد؛ یکی، محور ساختار رمان و عناصر سازنده آن، و دیگری، ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایران در زمان نویسنده. در این پژوهش با روش جامعه‌شناختی ادبی لوسین گلدمن که یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی ادبیات است به چگونگی این ارتباط پرداخته شده و نشان داده شده است که رضا براهنی گذشته از پرداختن به مسائل هنری آثار ادبی به مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و... اشاراتی داشته و آن را دستمایه بیان هنری خود گردانده است.

آگاهی و امید، جهت مبارزه برای کسب آزادی در آثار داستانی رضا براهنی مشاهده می‌شود و همه مقوله‌ها در پیوندی هنری، این اصل را تقویت می‌کنند. این پیام برخاسته از نگرش‌های روشنفکران دهه نویسنده است. البته در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز بسیاری از روشنفکران نویسنده بر افشای بیدادگری‌های حاکمیت می‌پرداختند و تلاش انسان‌های آرمان‌خواه برای دستیابی به عدالت اجتماعی را

می‌ستودند. دههٔ چهل، دههٔ تغییر و تحول است. بسیاری از نویسندگان این دهه، گمگشتگی نسلی را توصیف می‌کنند که نوجوانی‌شان در دههٔ جوش و خروش‌های اجتماعی سپری شد؛ اما تا به خود آمدند سال‌های کودتا فرا رسید و آنان اسیر فاجعه شدند و از سال‌های ایمان کورکورانه به دورهٔ بی‌اعتقادی کامل و سردرگمی رسیدند.

در واقع روشنفکر این سرزمین در این مقطع (زمان براهنی) به آگاهی و هوشیاری می‌رسد؛ چراکه او طی پنجاه سال گذشته تجربه‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری را از پیش چشم گذرانده و فراز و نشیب‌ها دیده و به حزب‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف پیوسته، از آن‌ها گسسته و سرانجام هرچند سرخورده، می‌خواهد با کوله‌باری از تجربه به واپس بنگرد. جامعه رفته‌رفته در حال دگرگونی است؛ اما دنیای تازه‌ای که نسل جوان احساساتی و ناآشنا به قوانین شناخت جامعه، رهسپارش شده دنیایی بدلی است. تحولاتی که ایجاد شده و نشان‌دهندهٔ حرکت از سکون نیمه‌فئودالی به تحرک زندگی شهری است، تحولاتی برخاسته از مقتضیات درونی جامعه نیست؛ به همین دلیل عده‌ای از روشنفکران این دهه، «بازگشت به سنت» را پیشنهاد می‌کنند.

براهنی نویسنده‌ای اجتماعی است که در داستان‌هایش دردهای مادی و معنوی طبقات مختلف جامعه را نشان می‌دهد و مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی و اخلاقی را بیان می‌دارد. او بیش از هرچیز به مسائل مربوط به مردان مبارز پرداخته است و در داستان‌هایش روح مبارزه را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. به طوری که شخصیت‌های اصلی غالب داستان‌های او افراد از خود گذشته در راه وطن هستند. مبارزان داستان‌های براهنی گوناگون و از طبقات مختلف هستند: افراد طبقات محروم و فرودست، افراد تحصیل کرده، عامی، طبقهٔ متوسط، افراد با شخصیت‌های قوی و مستحکم و اشخاص متزلزل، همگی به داستان‌های او راه یافته‌اند. بسیاری از شخصیت‌هایی که براهنی آفریده، بسیار ملموس، جاندار و به یادماندنی هستند و تصویری روشن و شفاف از آن‌ها ارائه شده است؛ چراکه او نسبت به اکثر شخصیت‌هایی که خلق می‌کند شناخت کافی دارد؛ به این جهت که او شخصیت‌هایش را معمولاً از محیط پیرامون خود انتخاب می‌کند. او در داستان‌هایش از جامعه بسیار تأثیر پذیرفته و اوضاع جامعهٔ زمان خویش را به گونه‌ای مؤثر به کار می‌گیرد و معمولاً داستان را از دریچه‌ای مناسب به خواننده ارائه می‌کند.

براهنی، از معدود نویسندگانی است که شخصیت‌های زن در نوشته‌هایش، با آگاهی بر فرهنگ مردسالارانه حاکم پی‌ریزی می‌شوند. زنان رازهای سرزمین من، بر خلاف کلیشه‌های تصویر زنان در

ادبیات فارسی، در شخصیت‌های اصلی بازنمایی شده‌اند و حضوری پررنگ‌تر از مردان در روند داستان دارند. براهنی در این رمان، با نگرشی انتقادی به تاریخ انقلاب، زنان را به صورت نمادین و در قالب کنش‌های روایی، نیروهای پدیدآورنده و مؤثر در انقلاب می‌داند. این تصویر قدرتمند از زنان و نقش فعال و کنشگری مؤثر در جریان انقلاب و نیز قدرت رهبری که به آن‌ها داده شد، در میان رمان‌های اجتماعی و سیاسی پیش از رازهای سرزمین من، نادر است. در واقع براهنی، برای بیان افکار و ایدئولوژی‌های سیاسی خود، زنان را برگزیده است.

کتابنامه

آزاد ارمکی، تقی؛ سبزی، شهرام. (۱۳۹۰) «بازنمایی جامعه پیش و پس از انقلاب باتکیه بر دو رمان رازهای سرزمین من و آزاده خانم و نویسنده‌اش اثر رضا براهنی». فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۰، بهار. ۱۸۱-۱۶۳.

آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۱) *دباجه‌ای بر جامعه‌شناسی رویکردهای فمینیستی*. لندن: نشر روتلج. ترجمه شده با نام جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم‌عراقی. تهران: نشر نی.

اعزاز، شهبلا. (۱۳۸۰) *خشونت خانوادگی «زنان کتک خورده»*. تهران: سالی.

ایگلتون، تری. (۱۳۵۸) *مارکسیسم نقد ادبی*. ترجمه محمدمبین لاهیجی. تهران: کار.

براهنی، رضا. (۱۳۸۱) *آزاده خانم و نویسنده‌اش*. تهران: کاروان.

براهنی، رضا. (بی‌تا) *روزگار دوزخی آقای ایاز*. بی‌جا. بی‌نا.

براهنی، رضا. (۱۳۶۷) *رازهای سرزمین من*. تهران: مغان.

براهنی، رضا. (۱۳۸۸) *بعد از عروسی چه گذشت*. تهران: نگاه.

براهنی، رضا. (۱۳۶۱) *قصه‌نویسی*. تهران: کاروان.

براهنی، رضا. (۱۳۶۲) *چاه به چاه*. تهران: نو.

براهنی، رضا. (۱۳۸۲) *آواز کشتگان*. تهران: دادار.

پاسکادی، یون. (۱۳۸۱) «ساخت‌گرایی تکوینی و لوسین گلدمن». چاپ شده در *جامعه، فرهنگ، ادبیات لوسین گلدمن*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.

پوینده، محمدجعفر. (۱۳۷۷) *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: نقش جهان.

ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*. تبریز: فروزش.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۶۶) *فرهنگ‌واره داستان و نمایش*. تهران: اطلاعات.

زرافا، میشل. (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی (رمان و واقعیات اجتماعی)*. ترجمه نسرین پروینی. تهران: سخن.

زرافا، میشل. (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی ادبیات*. ترجمه نسرین پروینی. تهران: سخن.

سلیم، غلامرضا. (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: توس.

صدقی، محمدرضا؛ قادری، حاتم. (۱۳۹۱) «کنش طبقاتی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی ایران مطالعه موردی رضا

براهنی». *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، پاییز و زمستان، ش ۱۲، ۱۴۰-۱۲۱

ضیف، شوقی. (۱۳۷۶) *پژوهش ادبی: سرشت، شیوه‌ها، متن‌ها، منابع*. ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی.

عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۶) *نقد اجتماعی رمان فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده*. تهران: پژوهش فرزانه روز.

فراروتی، فرانکو. (۱۳۷۷) «لوکاج، گلدمن و جامعه‌شناسی رمان». *مجموعه مقالات درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳) *درباره ادبیات و نقد ادبی*، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

کهنمویی‌پور، ژاله. (۱۳۸۹) *نقد جامعه‌شناسی و لوسین گولدمن (از نقد جامعه‌شناختی تا زیبایی‌شناسی دریافت)*. تهران: علمی و فرهنگی.

کوئن، بروس. (۱۳۸۶) *مبانی جامعه‌شناسی*، چاپ هجدهم. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت. گلدمن، لوسین. (۱۳۸۲) *نقد تکوینی*. ترجمه محمد غیائی. تهران: نگاه.

گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱) *جامعه، فرهنگ، ادبیات*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.

گلدمن، لوسین. (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)*. ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.

لنار، ژاک. (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن*، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات: مجموعه مقالات. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: نقش جهان.

لوکاج، جورج. (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی رمان*. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.

مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶) *ادبیات داستانی*. تهران: علمی.

منصوری، جواد. (۱۳۷۶) *جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات.

والث، ماری. (۱۳۸۲) *چندگانگی قرائت رمان سازمان تغییر اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ولک، رنه؛ وارن، آوستن. (۱۳۷۳) *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.

References

Abbott, P; Wallace, C. (2002) *An Introduction to the Sociology of Feminist Approaches*. London: *Routledge Publishing*, Translated by; Manijeh Najm-Iraqi. Tehran: *Ney Publications*.

Radfar, A. (1987) *Cultural Story and Show*. Tehran: *Etelaat Publications*.

Asgari H, A. (2007) *Social Critique of Persian Novel with Emphasis on Ten Selected Novels*, Tehran: *Farzan-e Rooz Research Center* (In Persian).

Azad Aramaki, T; Sabzi, Sh. (2011) "Representation of the Society Before and After the Revolution Based on the Two Novels "The Secrets of my Land" and "Azadeh Khanum and its author" by Reza Brahini. *Scientific-Research Quarterly of Persian Language and Literature*, Vol. 20, Spring. 181-163.

Azazi, Shahla. (2008) *Family Violence "Beaten Women"*. Tehran: *Sally Publications*.

Braheni, R. (2003). *"Azadeh Khanum and its author"*, Tehran: *Caravan Publications*

Braheni, R. (1989). *Secrets of my Land*, Tehran: *Moghan Publications* (In Persian).

Braheni, R. (2010). *What Happened After the Wedding*, Tehran: *Negah Publications* (In Persian).

Braheni, R. (1983). *Storytelling*, Tehran: *Caravan Publications* (In Persian).

Braheni, R. (1984). *Well to Well*, Tehran: *No Publications* (In Persian).

Braheni, R. (2004). *The Song of the Dead*, Tehran: *Dadar Publications* (In Persian).

- Koen, B. (2008). *Fundamentals of Sociology*, Translated by; Dr. Gholamabbas Tavassoli, Reza Fazel, 18th Edition, Tehran: *Samt Publications* (In Persian).
- Eagleton, T. (1980). *Literary Criticism Marxism*. Translated by; Mohammad Amin Lahiji. Tehran: *Kar Publications* (In Persian).
- Farshidvard, KH. (1995), *On Literature and Literary Criticism*, 2nd Edition, Tehran: *Amirkabir Publications* (In Persian).
- Ferrarotti, F. (1998) "Lukács, Goldman and the Sociology of the Novel". A collection of Introductory Articles on the Sociology of Literature. Excerpted and Translated by; Mohammad Jafar Poivendeh. Tehran: *Cheshme Publications* (In Persian).
- Goldman, L. (2003). *Developmental Criticism*. Translated by; Mohammad Ghiasi. Tehran: *Negah Publications* (In Persian).
- Goldman, L. (2003). *Society, Culture, Literature*. Translated by; Mohammad Jafar Pooyandeh. Tehran: *Cheshme Publications* (In Persian).
- Goldman, L. (2012). *Sociology of Literature (Defense of the Sociology of the Novel)*. Translated by; Mohammad Jafar Pooyandeh. Tehran: *Intelligence and initiative Publishing Center*.
- Kahnamoipour, J. (2011). *Sociological Criticism and Lucy Yen Goldman (From Sociological Criticism to Aesthetic Criticism)*, Tehran: *Scientific Publications* (In Persian).
- Lenar, J. (2012). *Sociology of Literature and its various branches*, Translated by; Mohammad Javad Puyandeh, *An Introduction to the Sociology of Literature: A Collection of Articles*. Tehran: *Naghsh-e Jahan Publications* (In Persian).
- Lukas, G. (2003). *Sociology of the Novel*. Translated by; Mohammad Jafar Pooyandeh. Tehran: *Cheshme Publications* (In Persian).
- Mansouri, J. (1997) *Cultural War Against the Islamic Revolution*. Mashhad: *Astan-e Quds-e Razavi Publications* (In Persian).

- Modarressi, Y. (1990). *An Introduction to the Sociology of Language*, Tehran: *Scientific and Cultural Publications* (In Persian).
- Mirsadeghi, J. (1998). *Fiction*, Tehran: *Scientific Publications* (In Persian).
- Pascadi, E. (2002). *Developmental Constructivism and Lucien Goldman*", Society, Culture, and Lucien Goldman Literature. Translated by; Mohammad Jafar Pooyandeh. Tehran: *Cheshme Publications* (In Persian).
- Pouyandeh, M. J. (1998) *An Introduction to the Sociology of Literature*. Tehran: *Naqsh-e Jahan Publications* (In Persian).
- Sadeghi, M. R; Kadri, H. (2012) *Class Action and Its Impact on Iranian Fiction Literature: A Case Study of "Reza Brahni"*. *Two Quarterly Journals of Theoretical Policy Research*, No. 12, pp. 121-140 (In Persian).
- Salim, G.H. (1999). *Sociology of Literature*, Tehran: *Toos Publications* (In Persian).
- Torabi, A. A. (2005). *Sociology of Persian Literature*, Tabriz: *Foroozeh Publications* (In Persian).
- Zeif, SH. (1997). *Literary Research: Nature, Methods, Texts, Sources*, Translated by; Abdullah Sharifi Khojasteh, Tehran: *Scientific and Cultural Publications* (In Persian).
- Volk, R; Warren, A. (1995). *Literary Theory*, Translated by; Zia Movahed and Parviz Mohajer, Tehran: *Scientific and Cultural Publications* (In Persian).
- Walt, M. (2004). *The Multiplicity of Novel Readings of the Social Change Organization*. Translated by; Hassan Chavoshian. Tehran: *Printing and Publishing Organization Ministry of Culture and Islamic Guidance* (In Persian).
- Zarafa, M. (2008). *Sociology of Fiction (Novel and Social Facts)*, Translated by; Nasrin Parvini, Tehran: *Sokhan Publications* (In Persian).
- Zarafa, M. (2008). *Sociology of Fiction*, Translated by; Nasrin Parvini, Tehran: *Sokhan Publications* (In Persian).